

آونگ‌ها

[کتابی شامل گزین گویه‌های فلسفی]

به قلم: فدریکو فررارای

برگردان:

میثم سراج



انتشارات سرزمین اهورایی
WWW.AHOORAPRESS.COM

فرراری، فدريكو، ۱۹۶۹ - م.	سوشلسه
آونگه: كتابي شامل گزينگويه‌هاي فلسفي/ نويسنده فدريكو فرراري؛ مترجم ميثم سراج.	Ferrari, Federico
تهران: سرزمين آهورايي، ۱۳۹۷.	عنوان و نام پديدآور
۱۴ ص. ۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.	مشخصات نشر
۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۲-۲۱-۲	مشخصات ظاهري
فيليا	شابك
كتابي شامل گزينگويه‌هاي فلسفي.	وضعيت فهرست نويسي
نكته‌گويي‌ها و گزينه‌گويي‌ها	عنوان ديگر
Aphorisms and apothegms	موضوع
رفقار -- كلمات قصار	موضوع
Human behavior -- Quotations, maxims, etc	موضوع
سراج، ميثم، ۱۳۶۳ -، مترجم	شناسه افزوده
۱۳۹۷ ۹۱۴/ف/ PN۶۲۷۴	رده بندي كلنگره
۸۱۸/۶۰۲	رده بندي ديويي
۵۲۸۴۹۴۸	شماره ثبت/شناسي ملي

		[فدريكو] فرراري		آونگه ها
		برگردان ميثم سراج		
فلسفه‌ي جهان تيراژ ۵۰۰ جلد ۳	انتشارات سرزمين آهورا 		هرگونه برداشت از تصاوير و مطالب اين كتاب منوط به اجازه ي کتبي از ناشر است.	مدير هنري و طراح گرافيك مجيد ضرغامی
	خدمات فني کانون تبليغاتي آهورا قيمت: ۱۹۰۰۰۰ ريال چاپ و صحافي خانه ي چاپ آهورا بهار ۱۳۹۸			
WWW.AHOORAPRESS.COM ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۸۲-۲۱-۲ شابک		دفتر مرکزي: ۲۲۸۶۶۸۵۹ ۲۲۸۶۶۸۵۸ پخش: ۲۲۸۸۲۰۱۱		اول INFO@AHOORAPRESS.COM توبت چاپ اول
انتشارات سرزمين آهورايي				

بیوگرافتر مترجم:

تدریسگر فرراری فیلسوف و منتقد هنری ایتالیایی (متولد هزار و نهصد و شصت و نه، شهر میلان) پس از دریافت مدرک کارشناسی در رشته فلسفه نظری، در اوایل دهه‌ی نود به بیواتیک (اخلاق) روی آورد. او سپس با تحقیقاتی مفصل در زمینه «اتانازی» یا «پایان آسودگی خوب» با این تفکر که زندگی به هر قیمتی شایسته ادامه دادن نیست باشد یکی از طرفداران پر و پا قرص این اندیشه شد. در اوایل دهه نود فرراری با پیروی از اندیشه‌ی دو فیلسوف طایف فرانسوی موریس بلانشو و ژان لوک نانسی به تحقیق در زمینه‌ی ارتباطات در جامعه‌ی نامتعادل مدرن و جامعه‌ی متمیزه شده در هکده‌ی جهانی روی آورد که ثمره‌ی آن نوشته شدن سه کتاب است. سرک بوسیله او و ژان لوک نانسی شد. این فیلسوف در ادامه مسیر خود با نگارش مقالات و سیزده کتاب‌ها دیگر در زمینه‌ی سرمایه‌داری، اشراقگرایی، آنارشیزم و نقد هنری با تأثیرگذاری بسیار بر محیط اکادمیک ایتالیا و همینطور بواسطه‌ی تدریس در اکادمی هنرهای زیبای «بررا» واقع در میلان امروزه به عنوان

یکی از برترین اندیشمندان معاصر ایتالیا شناخته می‌شود. آونگ‌ها آخرین اثر از این این فیلسوف/منتقد ایتالیایی است که توسط انتشارات «اس‌ای» در سال دو هزار و شانزده به انتشار رسیده است. این اثر که می‌شود آن را به گونه‌ای یک شرح حال نویسی و یا زندگی نامه نویسی به حساب آورد، کتابی است که فارغ از هر گونه گرایش به مرکز و یا ساختاری روایی، با جملاتی جدای از هم و گاهی ناقص یکدیگر گویا که سعی تمام در نشان دادن گسستگی ذهن در دوران معاصر را دارد، نوعی از تلاش که با خاصیتی قرار خود را از زیر یوغ هر نوع فلسفه‌ی خاصی می‌بازاند و در عین حال بر هر فلسفه و اندیشه‌ای مهر تأیید می‌گذارد. خاصیتی که آن را به زبانی ساده‌تر می‌شود خاصیتی بی‌عذر و یا بی‌اضداد دانست. شعر گونه بودن این اثر علاوه بر ساختار ادبی-کتاب، در نوع نگارش و فحوای هر قطعه نیز به چشم می‌خورد. در ادب آمده در این کتاب با بهره‌گیری از بلاغت زبانی منحصر به فرد (مترجم نیز سعی تمام خود را کرده است تا در این حیطه به متن اصلی وفادار باشد) و طبعی گاه طنزگونه یا عرفان‌گرایانه، گویا که همراه سعی در اثبات و همین‌طور انکار خود دارند، برای مثال:

«گورستان‌ها مکان‌هایی شاعرانه هستند که در آن‌ها این باور حاصل می‌شود که مرگی در کار نیست!»

«نوشتن قطعه‌های فلسفی تنها روشی است که با آن زندگی‌ام را قطعه قطعه نمی‌کنم؛ با هر خطی که روزانه بر صفحه‌ی زندگی کشیده می‌شود، نقوش پیدا می‌شوند.»

«در کنار در ورودی بر کاغذی نوشته اند: شرمندہ ایم، گل های مصنوعی در قبرستان نگذارید. دلم می خواهد این جا دفن

بشوم.»

«زندگی‌ام را در کمین کلمات گذراندم، اما سکوت شکار بهتری

بود.»

احساسات بیدار نویسنده، همان طور که همین چند سطر نیز
شاهدی بر آن است، گویا که در گیر و دار زندگی چنان انعطاف
و تعادلی به خود گرفته است که می‌تواند همانند بندبازی در
مسیری باریک قدم بگذارد و پیش برود. اما این کار پر مخاطره
و خطرناک است. هر طور که نمی‌تواند برای بندباز زبده‌ی ما بانی ترس و وحشت
زیادی باشد، قطعاً نمی‌تواند از ترس و وحشت نیز خالی باشد و
درست همان نقطه است که لرزه‌های خفیف و پنهان شده
در سینه، گاه به اشک غمناک بدل می‌شود و گاه به امیدی
استوار، گاه به ترس اشکی می‌شود و گاه لبخندی پرشور.
«کسی که لااقل یک بار برای گلم، پژمرده اشک نریخته باشد،
به سختی می‌تواند این اشک را با کسی که در حال احتضار
است بکند.»

آونگ‌ها را می‌شود علاوه بر تمام آنچه گفته شد عصاره و
چکیده‌ی تمام کتاب‌های فرراری به حساب آورد، کتابی که
مباحث پیچیده و بعضاً سخت فهم برای عموم، به قطعاتی
کوتاه، ناپیوسته و صیقل خورده تبدیل کرده است و با جلایی
شاعرانه به عنوان ثمره‌ی سال‌ها سال تلاش در مقاله‌نویسی و
مخاطب خود قرار داده است. شاید بشود گفت که نویسنده در
انتخاب این فرم و محتوا، بی‌حوصلگی، خستگی و اطلاعات
زدگی مخاطب در عصر مدرن را نظر گرفته است، مخاطبی
که در بمباران اطلاعات و در هجوم تکنولوژی و وسایل ارتباط
جمعی، دیگر توانایی تمرکز بر متنی پیوسته و مرکز گرا را ندارد،

و زبان شاعرانه کتاب نیز دقیقا با توجه به همین عدم قطعیت گرایي مخاطب مدرن سعی در دلنشین کردن برداشت‌های فلسفی داشته است. اما آیا قطعه نویسی کردن آن هم با زبانی شاعرانه در حد توانایی هر کسی می‌تواند باشد؟ آیا مخاطب در معرض بمباران اطلاعات صرفا با استناد به یافتن چنین ساختار و زبانی ذهن خود را در اختیار امواج برآمده از هر کتابی قرار می‌دهد؟ قطعاً خیر! و درست در همین نقطه است که سالهای سال تلاش، و نوشته‌های بسیار نویسنده همانند دستی نامرئی به میان آمده و مهر تأییدی بر کتاب می‌زند که مخاطب خود را با رغبت تمام مایل به خواندن و درگیر کردن ذهن می‌کند. مگر این کتاب با اندیشه‌های نویسنده‌ای مواجه می‌شوم که یک شب راه صد ساله را نرفته است، و اندیشه‌های قطعه قطعه و شعرگون سده‌اش حاصل گریز از تفکر و کاهلی نیست، بلکه دستاورد سالها خواندن، تنصیل، نوشتن و تدریس، فراگیری زبان‌های دیگر و مهربرت است:

بیرون زدم، تا بگریزم از یک سرفشست در حالا در کشوری هستم که زبان آن را نمی‌دانم، به جز در آن حی که از گرسنگی نمیرم. همه چیز در دوردست است. به مرزهای زندگی‌ام رسیده‌ام. هیچ‌گاه به این اندازه خوشنود نبوده‌ام. در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که آماده است تا هرگونه حساسیتی را بازبشناسد (به سگ‌ها، گربه‌ها، حشرات، گرد و غبار، میوه، به گرده‌ها...) اما از این مطلب غافل است که افرادی هم هستند که به انواع دیگر از هموعان خود حساسیتی شدید دارند. صدای استاد بی‌درنگ تبدیل به صدای شیپور می‌شود، اگر که

با لبخندی دوستانه همراه نشود، یا حتی بهتر لبخندی غیر قابل رویت و مبهم در چشم دانشجو.

یک قطعه‌ی فلسفی هرگز از اشراقی یکباره متولد نمی‌شود؛ بلکه نیازمند تراش خوردن با سوهانی فولادین آن هم با روشی ماهرانه است.

دیگر شاخصه‌ی بارز این نویسنده را که به راحتی از قطعه نویی هایش می‌توان دریافت، ذهن همیشه بیدار و آماده برای اندیشه‌های انتزاعی خود با واقعیت موجود است. گوی که این نویسنده هر آنچه را در کتابی خوانده و یا نوشته است، در هر بازه‌ی زمانی به چالش می‌کشد و باز سعی در محک زدن ریشه‌ها و میران حقیقت آن دارد. ما بارها و بارها در آونگ‌ها با قطعاتی راجه می‌شویم که حاصل گره خوردن اندیشه‌ای عمیق با واقعیتهای تازه و پیش پا افتاده است، گویا که نویسنده‌ی ما سعی بر این داشته است، و یا به زبان بهتر دارای این موهبت بوده است که لحظه‌ای از پردازش آنچه در ذهن دارد و می‌بیند غافل نماند، که همین امر نیز کتاب او را به گونه‌ای خود زندگی نامه نویسی شبیه کرده است. شاید هم برای توضیح این امر بشود گفت که نویسنده با این نام قصد دارد تا به مخاطب خود پیامورد که هر لحظه و هر مکان، اسطوره و مکان ناب برای اندیشیدن است، لحظه و مکانی که اگر آن را از دست بدهی دیگر توان برگشتن به آن را نخواهی داشت:

در مترو به بدن‌ها نگاه می‌کردم، دستهای چروکیده و تاول زد و دستهای به دقت تمیز و سالم نگه داشته شده، ناخن‌های جویده

شده، ورم‌ها و سرخی‌های روی پوست، چشم‌های مغلوب، چشم‌های شادمان و یا خالی، کمرهای خم شده زیر بار سختی و یا پیچ و تاب عضلات نوجوان‌های سرشار از زندگی: به بدن‌ها نگاه می‌کردم و به نظرم می‌رسید که می‌توانم فکرها را بخوانم. به وضوح کمونیستی را به یاد می‌آورم که خالی روی صورتش داشت، در یک بوتیک فرانسوی که متعلق به طراح مدی ژاپنی بود. دسته چکش را درآورد و چکی به مبلغ هزار و هفتصد یورو برای خرید یک تیشرت کشید. به یاد مقاله‌ای افتادم که روز قبل از آن درباره‌ی ناصادقی اخلاقی رئیس دولت نوشتم. دست‌کم بدن در چیزها، خارج شدن از خود، به همه چیز معنی می‌دهد. پاییز، معمولا همیشه یک مسئله، و آن هم به وجد آمدن‌های کوچک است.

فدریکو فرراری در وِشتر این اثر خواسته و یا ناخواسته، خاصیت جالب و پنهان تری را نیز به جا آورده است. ما گاهی در این کتاب با قطعاتی مواجه می‌شویم که مفهوم و معنای‌شان با یکدیگر برابر است، و یکی با مثالی ساده و در عین حال کوچک به تعریف همان مفهوم در مقیاسی بزرگ می‌پردازد. گاهی نویسنده در القای یک مفهوم لحظه‌ای با نگاهی میکروسکوپی، لحظه‌ای با نگاهی مایکروسکوپی جهان را رصد می‌کند. این با مد نظر داشتن این نکته که میکرو پلتیک نمونه‌ای کوچک از مایکرو پولتیک است، به نقش زندگی عادی و شخصی هر فرد در نظام سیاسی و در کل ماهیت جهان اشاره می‌کند: نوشتار اصیلی وجود ندارد که از تنهایی تراوش کند، و همواره گفته می‌شود که برای مخاطبی است که دست به قلم می‌رود.